

A newly discovered petition from the people of Neyshabur to the Ministry of Owqaf and Education regarding Shahzade Mohammad Hashem Mirza's seizure of the Moqufat of Imamzadeh Mohammad Mahrouq (AS)

Naser Haghshenas¹

Abstract

In this research, a newly discovered petition sent by the people of Neyshabur to the Ministry of Owqaf and Education during the Qajar period has been analyzed. This petition, which was prepared regarding the encroachment on the Moqufat of Imamzadeh Mohammad Mahrouq (AS), is kept in the petition collection of the National Library and Documentation Center of Iran. It is one of the valuable historical documents that provides unique information about the condition of the holy shrine of Imamzadeh Mohammad Mahrouq (AS) during the reign of Ahmad Shah Qajar. Based on the investigations conducted, the residents of Neyshabur have stated in this petition that Mohammad Hashem Mirza, known as Afsar and nicknamed Sheikh-ul-Raees, has misused his political influence and encroached on the Moqufat of this Imamzadeh. This document not only clearly demonstrates the conflicts and challenges associated with the management of Moqufat during the Qajar period; it also reflects the social and religious concerns of the society of that time. The importance of this petition lies in the fact that the information provided in it is not found in any other historical source and therefore, it can be used as a primary and reliable source for researchers in the field of social, religious, and economic history of the Qajar period. This document also enlightens on some of the interactions between religious, political, and social institutions during that period and it can contribute significantly to a better understanding of the power structure and relationships that governed Iranian society during the Qajar era.

Keywords: Petition, Neyshabur, Shahzade Mohammad Hashem Mirza, Imamzadeh Mohammad Mahrouq (AS), Ministry of Owqaf and Education.

The second year

Number Five

Autumn 2024

1. PhD student in History of the Islamic Revolution, University of Isfahan.
nasser.haghshenas@yahoo.com

عريضة عثر عليها مؤخرا من أهالي نيشابور إلى وزارة الأوقاف و المعارف بخصوص استيلاء الأمير محمد هاشم ميرزا على أوقاف الإمام زاده محمد محروق ❁

ناصر حق شناس^١

الخلاصة

في هذا البحث تم تحليل عريضة عثر عليها مؤخرا أرسلها أهالي مدينة نيشابور إلى وزارة الأوقاف والتربية والتعليم في العصر القاجاري. هذه العريضة التي أعدت بشأن الاعتداء على أوقاف الإمام زاده محمد محروق ❁ محفوظة في مجموعة العرائض في الأرشيف الوطني ومكتبة إيران وهي من بين الوثائق التاريخية القيمة التي تقدم معلومات فريدة عن حالة الحرم المقدس للإمام زاده محمد محروق ❁ في عهد أحمد شاه قاجار. وبناء على التحقيقات التي أجريت، ذكر سكان نيشابور في هذه العريضة أن محمد هاشم ميرزا المعروف باسم أفسر والملقب بالشيخ الرئيس، استغل نفوذه السياسي وتعدى على أوقاف هذا الإمام زاده. وليس فقط توضح هذه الوثيقة بوضوح الصراعات والتحديات المرتبطة بإدارة الأوقاف خلال العصر القاجاري فحسب، بل تعكس أيضاً الاهتمامات الاجتماعية والدينية للمجتمع في ذلك الوقت. وتكمن أهمية هذه العريضة في أن المعلومات الواردة فيها لا توجد في أي مصدر تاريخي آخر، وبالتالي يمكن استخدامها كمصدر أساسي وموثوق للباحثين في مجال التاريخ الاجتماعي والديني والاقتصادي في العصر القاجاري. كما تسلط هذه الوثيقة الضوء على بعض التفاعلات بين المؤسسات الدينية والسياسية والاجتماعية خلال تلك الفترة، ويمكن أن تساهم بشكل كبير في فهم أفضل لتشكيل السلطة والعلاقات التي حكمت المجتمع الإيراني خلال العصر القاجاري.

الكلمات المفتاحية: عريضة، نيشابور، الأمير محمد هاشم ميرزا، إمام زاده محمد محروق ❁، وزارة الأوقاف و المعارف



فصلنامه
علمی
مطالعات
بفتتاح و
امکان
متبرکته

١. طالب دكتوراه في تاريخ الثورة الإسلامية، جامعة أصفهان
nasser.haghshenas@yahoo.com

عریضه‌ای نویافته از اهالی نیشابور به وزارت اوقاف و معارف در مورد تصرفات شاهزاده محمد هاشم میرزا بر موقوفات امامزاده محمد محروق علیه السلام

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۴/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۹/۱

ناصر حق‌شناس^۱

چکیده

در این پژوهش، عریضه‌ای نویافته که توسط اهالی نیشابور به وزارت اوقاف و معارف در دوره قاجار ارسال شده است، مورد تحلیل و واکاوی قرار گرفته است. این عریضه که در خصوص تعدی به موقوفات امامزاده محمد محروق علیه السلام تنظیم گردیده، در مجموعه عرایض مرکز اسناد و کتابخانه ملی ایران نگهداری می‌شود و از جمله اسناد تاریخی ارزشمندی است که اطلاعات منحصر به فردی را درباره وضعیت آستان متبرکه امامزاده محمد محروق علیه السلام در دوران حکومت احمد شاه قاجار ارائه می‌دهد. بر اساس بررسی‌های انجام‌شده، اهالی نیشابور در این عریضه اعلام کرده‌اند که محمد هاشم میرزا، مشهور به افسر و ملقب به شیخ‌الرئیس، از نفوذ سیاسی خود سوء استفاده کرده و به موقوفات این امامزاده تعدی نموده است. این سند نه تنها به روشنی نشان‌دهنده تعارضات و چالش‌های مرتبط با مدیریت موقوفات در دوره قاجار است، بلکه بازتابی از نگرانی‌های اجتماعی و مذهبی جامعه آن دوران را نیز به تصویر می‌کشد. اهمیت این عریضه در آن است که اطلاعات ارائه‌شده در آن در هیچ‌یک از منابع تاریخی دیگر یافت نمی‌شود و از این رو، می‌تواند به عنوان منبعی دست‌اول و معتبر برای پژوهشگران حوزه تاریخ اجتماعی، مذهبی و اقتصادی دوره قاجار مورد استفاده قرار گیرد. این سند همچنین روشن‌کننده بخشی از تعاملات میان نهادهای مذهبی، سیاسی و اجتماعی در آن دوره است و می‌تواند به درک بهتر از ساختار قدرت و مناسبات حاکم بر جامعه ایران در عصر قاجار کمک شایانی کند.

کلیدواژه‌ها: عریضه، نیشابور، شاهزاده محمد هاشم میرزا، امامزاده محمد محروق علیه السلام، وزارت اوقاف و معارف

سال دوم

شماره ۵

پاییز ۱۴۰۳

۱. دانشجوی دکتری تاریخ انقلاب اسلامی دانشگاه اصفهان
nasser.haghshenas@yahoo.com

۱. مقدمه

عریضه در لغت عبارت است از نامه‌ای که زبردستی به مافوق و یا کوچکی به بزرگی می‌نویسد، همچنین به معنی عرض حال و درخواست‌نامه است (دهخدا، ۱۳۴۱، ج ۳۴: ۲۱۳) نام متضمن شکایت از کسی و نیز نامه‌ای که کسی به شخصیتی مهم و بلندمرتبه می‌نویسد (انوری، ۱۳۸۱، ج ۵: ۵۰۱۰) رسم بیان شکایت و دادخواهی مردم به حکام همواره در حکومت‌های ایرانی وجود داشته، به طوری که حاکمان همواره دیوان مظالم را برپا می‌داشتند و به عرایض مردم رسیدگی می‌کردند. این رویه در شکل دیوان مظالم در حکومت‌های پس از اسلام به حیات خود ادامه داد. در واقع فرهنگ تظلم خواهی را می‌توان فرهنگی ریشه‌دار در ایران دانست و عریضه‌نویسی را رفتاری که در طول زمان به یک سنت فرهنگی پایدار تبدیل شده است. (شوهانی، ۱۳۸۹: ۴۵-۴۷) عریضه‌نویسی تا پیش از دور صفوی و قاجار چندان رواج نداشت و بیشتر به صورت پراکنده و شامل موضوعات و درخواست‌های مختلف، از جمله تقاضاهای واگذاری زمین و یا شرح گرفتاری و یا مشکلی خاص بوده و از جریانی تابع روال مشخص پیروی نمی‌کرده است.

این رسم در دور حکومت صفوی نیز ادامه پیدا کرد. از این دوره عرایض مکتوب قابل توجهی برجا مانده است که در آرشیو مرکز اسناد آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود. اگرچه سیر بروکراسی اداری و تشریفات فراوان ارسال عرایض از یک فرد معمولی به شاه در این دوره چنان طولانی بود که در عمل در بسیاری موارد شکایت از حکام ظالم غیرممکن می‌نمود (سانسون، ۱۳۴۶: ۱۸۵) از آغاز دور قاجار به تدریج عریضه‌نویسی و بیان شکایت به صورت کتبی مرسوم شد، به نحوی که اوج عریضه‌نویسی در دور پیش از انقلاب مشروطیت و هم‌زمان با دور میانی قاجار مشاهده می‌شود. گسترش انواع وسایل ارتباط جمعی، مانند روزنامه، تلگراف، رواج استفاده از کاغذ و چاپخانه‌ها از یک سو و افزایش مشکلات اجتماعی، اقتصادی و ناامنی‌ها از سوی دیگر از عوامل مؤثر بر رواج عریضه‌نویسی عنوان شده است (طبری، ۱۳۸۸: ۴۶۷-۴۶۵). پس از نخستین سفر ناصرالدین شاه به اروپا، با تشکیل صندوق عدالت و مجلس تحقیق مظالم به دستور او، عریضه‌نویسی رونق پیدا کرد. شاه می‌خواست مردم بدون تملق و چاپلوسی از درباریان و پرداخت رشوه به کسی، عرایض خود را به وی بفرستند. (دامغانی، ۱۳۵۷: ۹۹) این روند پس از شکل‌گیری انقلاب مشروطه و تشکیل نهاد مجلس، با توجه به انتظارات مردم از آن به عنوان نهادی برای حل تمام مشکلات، عریضه‌نویسی دوباره رونق یافت. از نظر نویسندگان عرایض، در این زمان یک مرجع قانونی برای رسیدگی به خواسته‌ها و انتظارات مردم به وجود آمده بود. تشکیل کمیسیونی مستقل در مجلس با نام (کمیسیون عرایض) و پیش‌بینی سازوکار تعریف‌شده برای رسیدگی به عرایض مردمی در نظام‌نامه داخلی مجلس، نخست از حجم بالای عرایض وصول شده به این نهاد خبر می‌داد و در درجه دوم نشان می‌دهد که از زمان تشکیل رسمی کمیسیون عرایض به بعد، مجلس رسیدگی به عرایض و پاسخگویی به آنها را به عنوان یکی از وظایف اصلی خود می‌شمرد. (مجموعه مصوبات ادوار اول و دوم قانون‌گذاری مجلس شورای ملی، ۱۳۱۸: ۹) سیر تاریخی ذکر شده از فرهنگ عریضه‌نویسی حجم فوق‌العاده‌ای از منابع دست‌اول را بر روی پژوهشگر تاریخ معاصر می‌گشاید و لایه‌هایی از تاریخ ورود می‌کند که در هیچ منبع تاریخی ذکر نشده است و از این حیث بسیار معتبر و ذی‌قیمت است.

۲. پیشینه پژوهش

با توجه به نگاه مورخان در عصر جدید به اهمیت و اعتبار تاریخ مردم و به‌ویژه اقشار فرودست که در تاریخ‌نویسی گذشته هیچ نقشی نداشته‌اند، توجه به این دست از منابع از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار گردیده است. با این وجود پژوهش درخوری تاکنون به این مقوله پرداخته است. واکاوی در پایگاه‌های علمی چون ایرانداک تنها به چند مورد پایان‌نامه اشاره داشته است که به بررسی عرایض بعد از انقلاب مشروطه پرداخته‌اند و پایان‌نامه‌ای که دوران ناصری را از دریچه عرایض به تصویر بکشد وجود ندارد. خوشبختانه چندین مقاله به اهمیت عریضه‌نامه‌ها پرداخته‌اند. دکتر علی ططری در مقاله بررسی جایگاه عریضه در پژوهش‌های اسنادی به اهمیت این نوع اسناد پرداخته است. (ططری، ۱۳۸۸: ۴۶۵-۴۷۶) مقاله دیگری توسط دکتر زهره شیرین بخش به اهمیت عریضه‌نامه‌های اصناف در دوره ششم تا هشتم مجلس ملی را به تصویر کشیده است. (شیرین بخش، ۱۳۹۸: ۶۱-۷۵) همچنین دکتر فاطمه حاجی‌آبادی در مقاله‌ای با عنوان متولیان موقوفه عتیقی (از دوره صفویه تا پایان دوره پهلوی دوم) نقش متولیان در موقوفات را مورد بررسی قرار داده است که این پژوهش نیز توانسته با نگاهی به زوایای کمتر پرداخته شده پژوهشگران اطلاعات ارزنده‌ای را در اختیار خوانندگان و علاقه‌مندان به تاریخ اجتماعی قرار دهد. (حاجی‌آبادی، ۱۴۰۱: ۱۳۴-۱۵۰) با این وجود تاکنون پژوهشی در خصوص عریضه‌نامه و اهمیت آن در دوران قاجار به‌ویژه در خصوص بقعه متبرکه امامزاده محمد محروق علیه السلام در نیشابور مورد پژوهش و واکاوی قرار نگرفته است. از این جهت مقاله پیش رو، پژوهشی نوین محسوب می‌شود.

۳. روش پژوهش

این پژوهش با تکیه بر مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی، به‌ویژه تمرکز بر روی عریضه‌ای نویافته از بیست و دو نفر از اهالی نیشابور در دوران احمد شاه قاجار تدوین یافته است. این پرونده هم‌اکنون به شماره ۳۷۳۴/۲۵۰ در سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران نگهداری می‌شود.

۴. اهمیت عرایض در پژوهش‌های تاریخی

اسناد تاریخی یکی از مهم‌ترین منابع برای پژوهش‌های تاریخی و شامل طیف وسیعی از فرمان‌ها و حکم‌ها، دست‌نوشته‌ها، گزارش‌های مالی، حقوقی و اجتماعی است. در صورت توجه به معیارهای نقد تاریخی، استفاده تحلیلی و همه‌جانبه و دوری جستن از نگاه‌گزینشی، اسناد می‌توانند روشنگر بسیاری از نقاط مبهم و تاریک پژوهش باشند. در میان منابع تاریخ، اسناد اصالت و اعتبار بیشتری دارند. در این میان عرایض به‌عنوان یکی از انواع اسناد، نقش مهمی در مطالعات تاریخ اجتماعی ایفا می‌کنند. عرایض یکی از منابع بکر و درخور اهمیت برای مطالعات مربوط به اقشار وسیعی از جامعه هستند که از طریق آن‌ها می‌توان طیف وسیعی از اطلاعات درباره جنبه‌های متنوعی از زندگی روزمره، کسب‌وکار و معیشت، شیوه مواجهه مردم با نهادهای دولتی، انواع دعاوی حقوقی، کیفری، ملکی و

سایر داده‌های ارزشمند به دست آورد. این داده‌ها به ترسیم تصویری دقیق‌تر و نزدیک‌تر به واقعیت کمک خواهد کرد. عرایض، امکان دسترسی نزدیک‌تر و بهتر به دغدغه‌های مردمان عادی را فراهم می‌کند؛ کسانی که همواره در تحلیل‌ها و بررسی‌های سنتی تاریخ‌نگارانه نادیده گرفته شده‌اند.

عریضه‌ها را می‌توان آیین‌های تمام‌نما از نحوه معیشت و دل‌مشغولی‌های عمده گروه‌های مختلف مردم دانست و از آن در ترسیم شرایط اقتصادی و اجتماعی آنان بهره برد. تمرکز بر اسناد عریضی به‌عنوان نمادی از توجه به تاریخ طبقات عادی مردم (فرودستان) در جامعه مدنظر قرار خواهد گرفت. این اسناد به‌عنوان یک منبع مطالعاتی مهم در عرصه مطالعات تاریخ اجتماعی، پژوهشگران تاریخ را به موضوعات زیادی رهنمون می‌کند، از جمله مواردی که مردم عادی از آن تظلم کرده‌اند. بدین ترتیب به‌نوعی پژوهش را از نگاه غالب و رسمی طبقه حاکم و قانون‌گذار، به سمت صدای توده‌ها و طبقات فرودست جامعه برده و با ذهنیات و تفکرات این طبقه آشنا می‌سازد. عرایض اطلاعات ذی‌قیمتی درباره مسائل و دغدغه‌های اقشار پایین‌دست جامعه ارائه می‌دهد که در هیچ منبعی قابل‌دسترسی نیست. این اطلاعات، به‌ویژه در یک رویکرد جدید به تاریخ‌نگاری مدنظر و توجه قرار می‌گیرد؛ رویکردی که در آن، داده‌های مربوط به (زندگی روزمره) افراد نه‌تنها کم‌اهمیت تلقی نمی‌شود، بلکه به‌مراتب از برخی اطلاعات مندرج در منابع رسمی اهمیت بیشتری می‌یابد و تحقیق را به سمت نگارش تاریخ روزمره و مردمی می‌برد.

طرح مباحث حوزه تاریخ اجتماعی و گرایش به تحقیق در این زمینه که در سال‌های اخیر گسترش یافته است، سبب شد که تاریخ توده مردم و یا به قول پژوهشگران در تاریخ عامه به‌عنوان زمینه‌ای فراخ و پیش‌ازاین مغفول، در مطالعات تاریخی مورد توجه قرار گیرد. تاریخ اجتماعی نگاهی از پایین به تاریخ دارد و به کارنامه و زمانه کسانی می‌پردازد که خودشان توانایی و ابزار بیان و تألیف تجربیات خود را نداشته‌اند؛ بنابراین، نوشتن از تاریخ گروه‌های این‌چنینی، راهی سخت و ناهموار است. (اتابکی، ۱۳۹۰: ۳۸)

عریضه به دلیل آنکه ناظر به درخواست‌ها و نارضایی‌های افراد و گروه‌های پایین هرم قدرت، یعنی گروه فرودست یا غیر نخبه جامعه است، می‌تواند بازتاب شرایط گروه‌هایی باشد که تأثیر آنها در تحولات تاریخی نادیده انگاشته شده است. توجه به عرایض به‌عنوان نمادی از توجه به طبقات تأثیرگذار اما گمنام تاریخ ایران مطرح است. هر آنچه تا پیش‌ازاین دوره در زندگی روزمره مردمان عادی بی‌اهمیت تلقی می‌شد، در عرایض نمود می‌یابد و به‌عنوان منبعی برای گشودن افق‌های تازه و موضوعات مغفول مانده و حتی بازنگری نوشته‌های پیشین مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد. در این میان طبقات مذهبی، روحانیون و متولیان آستان‌های مذهبی به‌واسطه احترام و نفوذی که همواره در طول تاریخ ایران داشته‌اند کمتر به عریضه‌نویسی روی آورده‌اند و این پژوهش با واکاوی یکی از این عرایض به جنبه‌هایی از تاریخ ایران ورود پیدا کرده که تا به حال کمتر پژوهشی به آن اشاره کرده است.

۵. جایگاه و نقش مذهبی، فرهنگی و اداری متولیان بقاع متبرکه

تاریخ تولیت آستان‌های مذهبی در ایران تاریخ بسیار طولانی دارد که از حوصله این مقاله خارج است. مطالعه در این حوزه نشان از آن دارد که از دوره صفوی با نگاه ویژه حاکمیت به آستان‌های

مذهبی، چگونگی اداره و تمشیت امور به صورت کارمندان دفتری، خدمه و فراش و... افزایش یافت و به صورت یک سیستم عریض و طویل و سلسله مراتبی به وجود آمد. در اوایل حکومت قاجار و تحت تأثیر سیاست مذهبی شاهان این سلسله به‌ویژه از دوران فتحعلی شاه به بعد نفوذ سادات در آستان‌های مذهبی به طور محسوسی افزایش یافت.

اما با مرور زمان این نقش کمتر شد و ملاحظات سیاسی و ارتباطات درباری بر پیوندهای مذهبی و سادات بودن برتری یافت. در این دور متولی بر تشکیلات داخلی آستانه و امور مربوط به موقوفات را بر عهده داشت. در مجموع وظایف متولیان در دوران قاجار همان تشکیلات دوران صفوی بود و تغییر عمده‌ای در آن پدید نیامد.

در این دوره وظایف و مسئولیت‌های مختلفی بر عهده متولیان قرار می‌گرفت که مهم‌ترین آن‌ها عبارت بود از:

وظایف مذهبی: حضور و برپایی مراسم مذهبی و آئینی، غبار رویی و تنظیف حرم، اطعام مستمندان و...

وظایف فرهنگی: دستگیری از زوار نیازمند، نظارت بر کتابخانه آستان و برگزاری مکتب‌خانه‌ها و...

وظایف اداری: نظارت بر موقوفات و ساماندهی امور آنان، نظم کلی خادمان، فراشان و...، نظارت بر امور مالی آستان و... در مجموع با ضعف در حکومت قاجار در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بالطبع این ضعف بر روی آستان‌های مذهبی و کارکرد آنان نیز تأثیر گزارده و جایگاه آنان را دچار افول کرده است. (علیزاده بیرجندی و ناصری، ۱۳۹۲: ۱۳۹-۱۶۵)

۶. اوضاع سیاسی، فرهنگی و اجتماعی نیشابور در اواخر حکومت قاجار

عین‌السلطنه در خاطرات سفر خود که در ۲۰ ربیع الثانی ۱۳۲۴ تا ۱۴ رجب ۱۳۲۴ و در روزگار پادشاهی مظفرالدین شاه به خراسان سفر کرده است اینگونه شرح می‌دهد: حکومت نیشابور بیش از چهل سال است که با پرویز میرزای نیرالدوله مرحوم و این نیرالدوله حالیه است. در سال دوم جلوس اعلیحضرت مظفرالدین شاه و صدارت امین الدوله مرحوم، خالصه جات نیشابور را نیرالدوله حالیه خرید. دوازده هزار تومان پول داد. الان دو سه کرور قیمت آن است و سالی صد هزار تومان نقد مداخل و منافع می‌دهد. از روی تحقیق معلوم شد سالی چهارده الی پانزده هزار خروار نقل انبار و هشتاد الی نود هزار تومان نقد املاک نیرالدوله می‌دهد. به زور حکومت و خالصه اغلب املاک اربابی هم ضمیمه شده است. شاهزاده فتح السلطنه پسر نیرالدوله الان حاکم است. با من دوست است. محض تماشای شهر و ملاقات ایشان با وجود خستگی و گرد و خاک شدید به راه افتادم بازار نیشابور بیشترین چوب پوش است، باد کاکین چرک و کثیف خراب. ارگ آخر شهر سمت شمال افتاده. راه زیاد بود. در این مدت متممادی ابداً در تنظیف و پاکی شهر دقت نکرددهاند. فقط یک خیابانی جلوی در باغ ارگ بود که شن ریخته و دو طرف نهر کشیده درخت کاشته بودند. چند چراغی هم به دیوار نصب بود که طول آن بیش از پانصد قدم نبود. باغ ارگ بزرگ و مشجر [ست]. آب مخصوص هم از خود دارد. لیکن تمیز و قشنگ نبود. بعضی‌ها



گفتند فتح السلطنه سوار شده. دو نفری گفتند تشریف آورده. ما را نزد برهان السلطنه نایب الحکومه بردند، من به گمان اینکه نزد فتح السلطنه میبرند. معلوم شد شکار رفته‌اند. چند کلمه در حاشیه «کرت» خود نوشته به سرکار نایب الحکومه دادم برساند. فوراً مراجعت کردم. گیلان خوبی نیشابور داشت. با قدری خیار و با قلا خریده رفتیم. دلجان حاضر بود یک ساعت و نیم به غروب مانده حرکت کردیم. شهر نیشابور از بلاد بسیار بسیار قدیم ایران است که نظیر آن در قدمت کمتر است. آبادی زیاد و خرابی پی در پی به خود دیده. مشهور است دوازده هزار رشته قنات قبلاً در آن جاری بوده، نیشابور دارالعلم و معدن فضل و کمال و منبع فقه و حدیث بوده. از آن شهر فضلا و ادبا و شعرا و محدثین و اهل دانش بقدری برخاسته‌اند که از حساب بیرون است ... از آن زمان به بعد این شهر به آبادی سابق خود نرسید و گمان نمی‌رود برسد. مگر سرکار فتح السلطنه اقدامی بفرماید به آبا دی سابق خود برسد (عین السلطنه، ۱۳۷۶: ۱۶۷۰-۱۶۷۲).

هانری رنه دالمانی از اهالی فرانسه بود که در دوران قاجار دو مرتبه به ایران سفر کرده است. وی در شرح دومین سفرش در سال ۱۳۲۷ هجری قمری به نیشابور آمده است. (یک سال پس از نگارش عریضه توسط میرزا سید محمدابراهیم) او در سفرنامه خود می‌نویسد: اکنون شهر نیشابور دارای بیست هزار جمعیت است و از مراکز مهم کشاورزی ایران محسوب می‌شود. در اطراف شهر گندم، جو، پنبه و ارزن فراوان به عمل می‌آید. محصول انگور نیز بسیار فراوان و قابل توجه است و غالباً به صورت کشمش به خارج صادر می‌شود. چند سالی است که کشت تریاک را نیز در این شهر آغاز کرده‌اند که خسارت بزرگی به کشت غلات زده است ... امروز باید به دیدار صرافی برویم. صراف نیشابوری کسی نیست که به آسانی بتوان پیدایش کرد (دالمانی، ۱۳۸۷: ۲۰۳ - ۲۱۲)

از والیان صاحب نفوذ نیشابور در حکومت قاجار در نیشابور سلطان حسن میرزا نیرالدوله پسر پرویز میرزا نیرالدوله است که از جوانی از غلام بچه‌های اندرونی ناصرالدین شاه بود و بعد به سمت پیشخدمت حضور همایونی ترقی کرد و حکومت نیشابور هم جزو ابواب جمع او قرار گرفت. نیرالدوله در دو سفر ناصرالدین شاه به اروپا همراه او بود ولی پس از فوت پدرش لقب نیرالدوله را به خود اختصاص داد و در حیات پدرش مدتی هم حکومت نیشابور را به عهده داشت. نیرالدوله در مدت حکومتش در نیشابور املاک خوب و مرغوبی را به تصرف خود در آورد (افشارآرا، ۱۳۸۰: ۶۲۱). میرنیا در کتاب خود می‌نویسد: بهترین املاک نیشابور متعلق به سلطان حسین میرزا نیرالدوله بود و در زمان حیاتش در زمره متمولین شماره یک ایران به شمار می‌آمد و علاوه بر داشتن املاک مرغوب، جواهرات و پول نقد زیادی هم داشت. (میرنیا، ۱۳۶۷: ۶۲۱)

در روزگار نیرالدوله والی کل خراسان و سیستان فتح السلطنه پسر وی که بسیار مورد محبت و علاقه زن او نواب علیه بوده حکومت نیشابور را داشته که به سبب صغر سن حاج محمد مهدی خان اعتمادالایاله (تفنگ‌دار باشی) به نیابت وی امور شهر را در دست گرفت و در حقیقت حاکم نیشابور شد که سالیان متمادی حکومت را در دست داشت. مدتی بعد فتح السلطنه با نام سردار ساعد نیری جانشین وی شده است و عنوان فتح السلطنه را به برادر خویش داده و او را به حکومت نیشابور برگزیده است. در زمان این شاهزادگان اوضاع نیشابور تا حدود زیادی آرام بود و مردم در رفاه نسبی به سر می‌برده‌اند مگر در مواردی که سختی‌هایی دامن‌گیر همه

ایران بوده است. (گرایلی، ۱۳۷۵: ۲۰۷). از اواخر قاجار و زمان مظفرالدین شاه و محمدعلی شاه مطلبی که روشنگر اوضاع این شهر باشد در دست نیست و به نیشابور عزیمت هم نکرده‌اند بنا بر نوشته‌های فوق می‌توان چنین استنباط کرد که در اواخر دوران قاجار، نیشابور و خراسان دستخوش تغییرات سیاسی بسیاری بود که تأثیراتش به زیارتگاه‌ها و نهادهای مذهبی نیز کشیده شده است. جنبش‌های اصلاح‌طلبانه و مشروطه‌خواهی که در ایران ظهور کردند، بر فضای عمومی شهرها از جمله نیشابور و امامزاده محمد محروق^{۱۱} بی‌تأثیر نبوده‌اند. متأسفانه در منابع تاریخی به طور خاص از امامزاده محمد محروق^{۱۲} نامی برده نمی‌شود و پژوهشگر ناگزیر است فضای سیاسی و فرهنگی این منطقه را از دیگر مناطق به‌ویژه مشهد مقدس در ذهن خود بازسازی و تجزیه و تحلیل نماید.

۷. تولیت بقعه متبرکه امامزاده محمد محروق^{۱۳} در دوران قاجار

تاکنون مقاله یا کتاب مستقلی به‌صورت تخصصی بر روی تاریخچه متولیان آستان متبرکه امامزاده محمد محروق^{۱۴} به رشته تحریر در نیامده است. علی‌رغم اهمیت فراوان این موضوع فقر اسناد و توجه کمتر پژوهشگران به چنین موضوعاتی دلیل دیگری است که بخش بسیار مهمی از تاریخ مذهب در درجه نخست و تاریخ محلی و آستان‌های متبرکه در درجه دوم در ایران مغفول مانده است. برگزاری چنین همایشاتی بی‌شک فتح بابی است تا متخصصان و پژوهشگران را گرد هم آورد و از زوایای مختلف به موضوع نگریسته شود. تدوین کتاب مستقلی در خصوص تاریخچه تولیت آستان متبرکه امامزاده محمد محروق^{۱۵} از زمان شکل‌گیری بقعه و تأثیر شگرف آن بر فرهنگ و نگرش دینی مناطق هم‌جوار به‌ویژه تأثیر آن بر روی زائران حضرت رضا^{۱۶} می‌تواند به‌عنوان یک اولویت اساسی برای متولیان و برنامه‌ریزان فرهنگی تعریف گردد.

بدون شک نحوه انتخاب، فعالیت‌های متولی و شرح وظایف و نقش و جایگاه این آستان متبرکه همچون دیگر آستان‌های متبرکه در ایران چون آستان قدس رضوی و یا آستان حضرت معصومه (س) بوده و فرهنگ حاکم بر این نهادها و سیاست انتخاب حاکمان قاجار نمی‌توانسته متفاوت باشد. البته این نظر نویسنده است و بیشتر از فقر منابع نشئت می‌گیرد. قطعاً پژوهش‌های تخصصی می‌تواند این موضوع را به‌صورت تخصصی تشریح نماید و ما را از حدس و گمان‌رهایی دهد. یکی از ویژگی‌های مهم این آستان متبرکه به علت نزدیکی به مشهد مقدس و قراردادن در مسیر زائران حضرت علی بن موسی‌الرضا^{۱۷} هر ساله پذیرای زائران بی‌شماری بوده و از این لحاظ مورد توجه حاکمان قاجار بوده است. اگرچه در پژوهش‌های اسنادی مورد واکاوی قرار نگرفته و نبود اسناد متقن پژوهشگران را از اظهار نظر منع می‌کند.

۸. تعدی به موقوفات امامزاده محمد محروق^{۱۸}: ضعف متولیان و واکنش‌های مردمی در نیشابور

مشخص نیست در زمان تدوین این عریضه متولی امامزاده محمد محروق^{۱۹} کدام یک از شخصیت‌های نیشابور است و متأسفانه از سجع مهرهای عریضه نیز این امر قابل‌شناسایی نیست.



در دوران قاجار، به ویژه در دوره حکومت احمد شاه، جامعه ایران با چالش‌های متعددی در حوزه مدیریت موقوفات و بقاع متبرکه مواجه بود. ضعف متولیان این اماکن مقدس، سوءاستفاده از اموال وقفی، و نفوذ افراد صاحب قدرت در امور مذهبی، باعث شد تا مردم به عنوان حامیان اصلی این مکان‌ها، خود دست به اقداماتی برای حفظ و حراست از این موقوفات بزنند. جامعه مذهبی آن دوران که عمیقاً به ارزش‌های دینی و سنت‌های مذهبی پایبند بود، در مواجهه با تعدی به موقوفات و بی‌توجهی متولیان، به شیوه‌های مختلفی از جمله ارسال عریضه و تظلم‌خواهی به نهادهای حکومتی، واکنش نشان می‌داد. این اقدامات نشان‌دهنده روحیه مسئولیت‌پذیری و تعهد مذهبی مردم در حفظ اماکن مقدس و اموال وقفی بود. در دوره احمد شاه قاجار، با وجود ضعف مرکزی حکومت و نفوذ بیگانگان در امور داخلی، جامعه مذهبی ایران همچنان به سنت‌های دینی خود وفادار بود و برای حفظ هویت مذهبی و فرهنگی خود تلاش می‌کرد. مردم به ویژه در شهرهای مذهبی مانند نیشابور، مشهد، و قم، به دلیل وابستگی عاطفی و اعتقادی به امامزادگان و بقاع متبرکه، در برابر هرگونه تعدی به این مکان‌ها مقاومت می‌کردند. ارسال عریضه‌هایی مانند نمونه مورد بررسی در این پژوهش که در آن اهالی نیشابور از تعدی به موقوفات امامزاده محمد محروق علیه السلام شکایت کرده‌اند، گواهی بر این روحیه مذهبی و احساس مسئولیت جمعی است. این اقدامات نه تنها نشان‌دهنده اعتراض به سوءاستفاده از موقوفات بود، بلکه بیانگر تلاش جامعه برای حفظ استقلال و حرمت اماکن مذهبی در برابر نفوذ سیاسی و اقتصادی افراد قدرتمند بود. روحیات مذهبی جامعه قاجار در این دوره، ترکیبی از تعصب دینی، پایبندی به سنت‌ها، و تلاش برای حفظ هویت اسلامی در برابر نفوذ بیگانگان و فساد داخلی بود. مردم با ارسال عریضه‌ها و تظلم‌خواهی، سعی در احقاق حقوق مذهبی خود داشتند و از این طریق، نقش فعالی در مدیریت امور مذهبی ایفا می‌کردند. این رفتارها نشان می‌دهد که جامعه مذهبی قاجار، علی‌رغم ضعف حکومت مرکزی و چالش‌های داخلی، همچنان به ارزش‌های دینی خود پایبند بود و برای حفظ و حراست از میراث مذهبی خود تلاش می‌کرد. این روحیه مذهبی و احساس مسئولیت جمعی، بخشی از هویت فرهنگی و اجتماعی ایران در آن دوران را تشکیل می‌داد و در شکل‌گیری تحولات بعدی جامعه ایران نقش بسزایی ایفا کرد.

۹. بررسی عریضه اهالی نیشابور به وزارت معارف و اوقاف

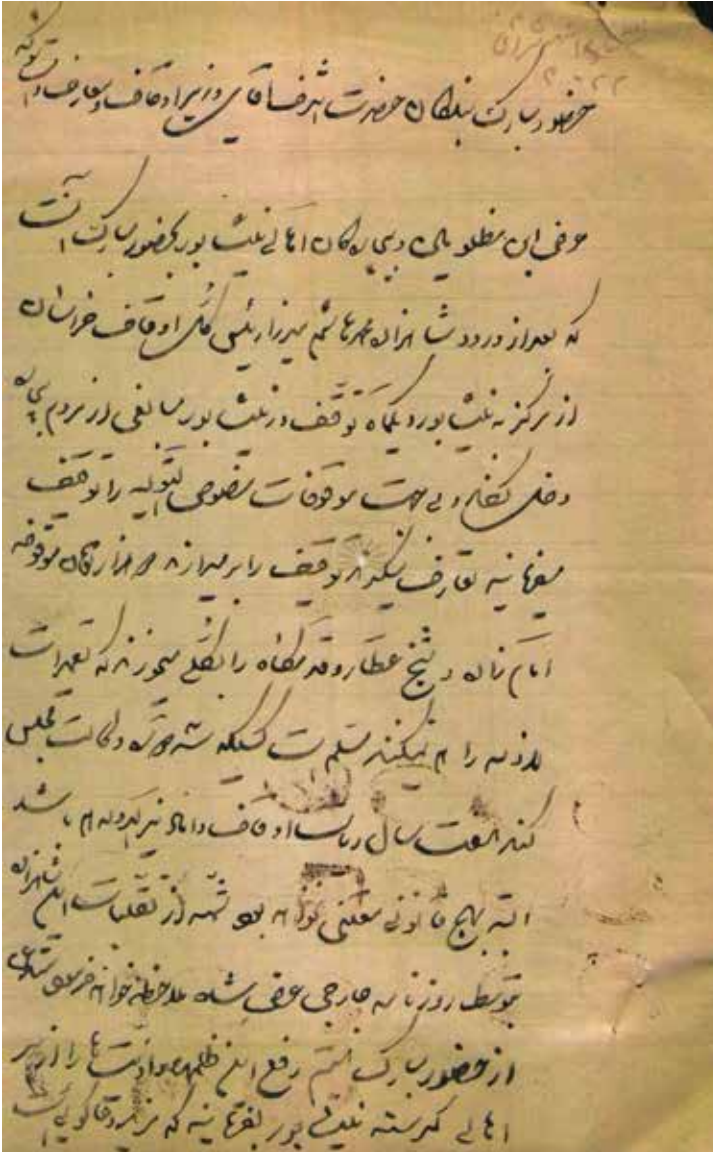
در سطور زیر عریضه بیست و دو نفر از اهالی نیشابور به وزارت معارف و اوقاف در خصوص تعدیات محمد هاشم میرزا در سه برگ به همراه ترجمه آن آورده می‌شود. هر چند این سند نویافته در چند سطر تهیه شده است اما گویای زوایایی از تاریخ روایت نشده است که در هیچ‌یک از منابع تاریخی نمی‌توان به آن دست یافت و از این حیث اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد و اطلاعات ذی‌قیمتی در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهد.

سند شماره ۱: عریضه بیست و دوتن از اهالی نیشابور به امین اوقاف نیشابور



محل نگهداری: مرکز اسناد و کتابخانه ملی ایران، پرونده شماره: ۲۵۰/۳۷۳۴

سند شماره ۲: عریضه بیست و دوتن از اهالی نیشابور به وزیر اوقاف و معارف



محل نگهداری: مرکز اسناد و کتابخانه ملی ایران، پرونده شماره: ۲۵۰/۳۷۳۴

ترجمه اسناد سند شماره (۱)

امین اوقاف نیشابور

عریضه... بیست و دو نفر از اهالی از و تصرفات نامشروع اداره اوقاف رسیده البته من بعد باید مراجعه به ایشان نکنید مستقیماً رجوع با مرکز است و البته باید مواظب باشید به خلاف صحت از اداره شما و غیر نسبت به اوقاف اقدام خلاق صحت به عمل نیاید و در خصوص آن اظهارات هم جواب صحیح بنویسید اظهار داشته‌اند که موقوفات امامزاده و قدمگاه و شیخ عطار خورده شده و به مصرف وقف نرسیده است.

ابراهیم زنجانی

اهالی نیشابور... در اوقاف آنجا مداخله نخواهد داشت و در خصوص اظهارات شما نیز تحقیقات خواهد شد.

ابراهیم زنجانی

سند شماره (۲)

۱۶ شمال ۱۳۳۵

حضور مبارک... حضرت اشرف آقای وزیر اوقاف و معارف دامت شوکت

عرض این مظلومین و بیچاره گان اهالی نیشابور بحضور مبارک آنست که بعد از ورود شاهزاده محمد هاشم میرزا رئیس کل اوقاف خراسان از مرکز به نیشابور و یکماه توقف در نیشابور مبالغی از مردم بیچاره دخل کردند و بی جهت موقوفات توله را توقیف می‌نمایند تعارف میکنند توقیف را برمی‌دارند دو هزار تومان موقوفه امامزاده و شیخ عطار و قدمگاه را به کلی می‌خورند که تعمیرات لازمه را هم نمی‌کنند مسلم است کسی که سه دوره وکالت مجلس کند، هفت سال ریاست اوقاف و داماد نیرالدوله هم باشد البته به هیچ قانونی مقتنی نخواهد بود.... از تقلبات این شاهزاده به توسط روزنامه جارچی عرض شده ملاحظه خواهند فرمود مستدعی از حضور مبارک هستیم رفع این ظلم‌ها و اذیت‌ها را از اهالی گرسنه نیشابور بفرمایند که مزید دعاگویی است.

۱۰. تحلیل عریضه اهالی نیشابور به وزارت معارف و اوقاف

اسناد فوق را می‌توان از مناظر مختلف به بحث گذارد و مورد بررسی و واکاوی قرارداد. در سطور ذیل به اختصار سعی می‌شود به چند مورد از جنبه‌های تحلیل سند اشاره شود.

شماره اسناد و محل نگهداری: این پرونده اسناد به شماره: ۲۵۰/۳۷۳۴ در آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران نگهداری می‌شود.

سند فوق در سال ۱۳۳۵ هجری قمری و حکومت احمدشاه قاجار تدوین یافته است. سند مورد بررسی، عریضه‌ای است از اهالی نیشابور در دوران احمدشاه قاجار است که خطاب به وزیر اوقاف و معارف نوشته شده است. این سند به تعدیات و سوءاستفاده‌های محمدهاشم میرزا، رئیس کل اوقاف خراسان، از اموال وقفی امامزاده محمد محروق^۱، شیخ عطار و قدمگاه اشاره دارد و نشان‌دهنده فساد اداری گسترده در این دوره است.

دوران احمدشاه قاجار به دلیل ضعف حکومت مرکزی و نفوذ گسترده رجال سیاسی و درباریان، عرصه‌ای برای بهره‌کشی از منابع عمومی و ثروت‌های موقوفه بود. این سند نشان می‌دهد که محمدهاشم میرزا، با تکیه بر موقعیت خود و ارتباطاتش، توانسته است کنترل کامل اوقاف خراسان را در اختیار بگیرد و از دارایی‌های آن برای منافع شخصی استفاده کند. توقف یک‌ماهه او در نیشابور نه تنها فشار اقتصادی بیشتری بر مردم وارد کرده، بلکه با ضبط موقوفات و دریافت رشوه برای رفع توقیف، بی‌عدالتی و فساد را گسترش داده است.

از منظر اجتماعی، سند بیانگر فشار شدید اقتصادی بر مردم نیشابور است. استفاده از عباراتی چون «بیچارگان» و «گرسنگان» نشان‌دهنده وضعیت نامطلوب معیشتی مردم این منطقه است که احتمالاً به دلیل برداشت غیرقانونی از موقوفات و نبود رسیدگی‌های لازم به آنها، آسیب بیشتری دیده‌اند. موقوفات در تاریخ ایران معمولاً به‌عنوان منابعی برای خدمات عمومی، رفاهی و مذهبی مورد استفاده قرار می‌گرفتند. اما در این سند، تصرف اموال وقفی توسط یک مقام دولتی به‌وضوح نشان‌دهنده سوءاستفاده شخصی از اموال عمومی و کاهش سطح رفاه عمومی است. از سوی دیگر، اشاره به روزنامه «جارچی» که قبلاً به تخلفات این شاهزاده پرداخته، بیانگر نقش مطبوعات در افشای فساد است که در این دوره آغاز شده و به‌عنوان ابزاری برای رساندن صدای مردم به مقامات بالاتر مورد استفاده قرار می‌گرفت.

از منظر حقوقی، مسئله تصرف و حیف‌ومیل موقوفات از نظر شرعی و قانونی تخلف محسوب می‌شد. در نظام حقوقی قاجار، با وجود ضعف اجرایی، موقوفات تحت نظارت شرعی قرار داشتند و تصرف غیرقانونی در آنها مجاز نبود. در این سند، اشاره به «توقیف تولیه» نشان می‌دهد که محمدهاشم میرزا به‌دلخواه خود، برخی موقوفات را مصادره کرده و پس از دریافت رشوه، رفع توقیف کرده است. این اقدام، مصداق بارز فساد اداری و تضییع حقوق عمومی است که در نبود نهادهای نظارتی کارآمد، بدون مجازات باقی می‌ماند. همچنین، عبارت «البته به هیچ قانونی مقتنی نخواهد بود» نشان می‌دهد که مردم از نبود عدالت در اجرای قانون آگاه بوده و نسبت به اصلاح امور ناامید بوده‌اند.

از نظر سبک‌شناسی و نگارش، این سند به زبان رسمی و اداری دوره قاجار نوشته شده و لحن آن،

تلفیقی از احترام و اعتراض است. در آغاز، نویسنده با استفاده از عبارات رسمی چون «حضور مبارک» و «دامت شوکته» نشان می‌دهد که احترام ظاهری به مخاطب خود (وزیر اوقاف) دارد. اما در ادامه، به صراحت از تقلبات و سوءاستفاده‌های شاهزاده انتقاد می‌کند و با عباراتی چون «دو هزار تومان موقوفه را به کلی می‌خورند» یا «به هیچ قانونی مقتنی نخواهد بود»، لحن تندتری به خود می‌گیرد. همچنین، استفاده از جمله‌های طولانی و توصیفی که در سنت عریضه‌نویسی قاجاری رایج بود، به وضوح در این سند دیده می‌شود.

اهمیت این سند در نشان دادن سه نکته کلیدی است: اول، وضعیت بد اقتصادی و معیشتی مردم که تحت تأثیر فساد مقامات محلی تشدید شده بود. دوم، قدرت و نفوذ رجال سیاسی، به‌ویژه افرادی که دارای پیوندهای خانوادگی با دربار بودند و بدون نگرانی از مجازات، در منابع عمومی دخل و تصرف می‌کردند. سوم، نقش روزنامه‌ها و مکاتبات رسمی در رساندن شکایات مردم به حکومت مرکزی که نشان از تلاش‌های ابتدایی برای مقابله با فساد و مطالبه عدالت دارد. این مسائل، همگی از عوامل مؤثر در نارضایتی عمومی و زمینه‌ساز سقوط سلسله قاجار محسوب می‌شوند.

نکته بسیار حائز اهمیت دیگر در اسناد فوق کشف شخصیت‌های تاریخی است که در منابع تاریخی و تاریخ‌نویسی رسمی به آن‌ها اشاره نشده و یا کمتر اشاره شده و یا به علت همان رسم همیشگی تاریخ که تاریخ را فاتحان نوشته‌اند از حاکمان ولایات تصویر بسیار مثبتی ترسیم شده است.

در سند فوق با شخصیت شاهزاده محمدهاشم میرزا آشنا می‌شویم. شاهزاده محمدهاشم میرزا (۱۳۱۹-۱۲۵۸ شمسی) متولد در سبزوار، ملقب به «شیخ‌الرئیس» و متخلص به «شازده افسر»، ادیب، شاعر، سیاست‌مدار، رئیس انجمن ادبی ایران و نایب‌رئیس مجلس شورای ملی بود.

در ۱۳۲۸ قمری به دنبال واقعه به توپ بستن مجلس به امر محمدعلی شاه افسر از سوی مردم سبزوار به نمایندگی دوره دوم مجلس شورای ملی برگزیده شد و در ۱۳۳۲ قمری در دوره سوم از نیشابور، و در دوره چهارم از طرف مردم مشهد، و از دوره پنجم تا نهم از سبزوار به مجلس شورا راه یافت. او در ادوار نمایندگی غالباً نیابت ریاست مجلس را داشت. پس از کودتای ۱۲۹۹ شمسی و تشکیل کابینه سید ضیا طباطبایی، شاهزاده افسر یکی از دشمنان سرسخت این کابینه در مجلس شورا بود. در مجلس پنجم که پیشنهاد انقراض سلطنت قاجاریه مطرح شد، افسر یکی از امضاکنندگان ماده واحده‌ای بود که با تصویب آن سلطنت قاجاریه برافتاد. از پی انقراض حکومت قاجار و تصمیم بر تشکیل مجلس مؤسسان (۱۵ آذر ۱۳۰۴ شمسی) افسر از طرف مردم سبزوار به نمایندگی این مجلس برگزیده شد. افسر پس از مرگ ابوالحسن میرزا شیخ‌الرئیس قاجار (۱۲۶۴-۱۳۳۸ ق) متخلص به «حیرت»، شاعر و خطیب نامور آن روزگار، لقب شیخ‌الرئیس گرفت. او از همان اوایل کار با عبدالحسین خان نردینی که بعدها به تیمورتاش معروف شد، طرح دوستی ریخت. وقتی عبدالحسین خان از سفر روسیه برگشت و در جوین از سوی پدر حکومت یافت، افسر صاحب او شد و ضمناً به او فارسی و ادبیات آموخت. همین آشنایی موجب دل بستگی و شیفتگی خان جوین به زبان و ادب فارسی، و کلاً به عوالم ذوقی گردید. پس از آنکه هر دو آنان با خانواده

نیرالدوله، والی خراسان، وصلت کردند، پایه‌های دوستی‌شان محکم‌تر شد. هر دو به اتفاق نیرالدوله به خراسان رفتند و تیمورتاش رئیس قشون، و افسر رئیس فرهنگ و اوقاف آن ولایت شد. پس از چندی که انتخابات مجلس شروع شد، عبدالحسین خان و افسر مشاغل خود را رها کردند و به عنوان نماینده راهی مجلس شدند. معاصران افسر عموماً او را به اخلاق نیک، طینت پاک، فروتنی، خوش خلقی و نیک محضری، ظرافت طبع، شعرشناسی و تبحر در زبان و ادب فارسی ستوده‌اند. قزوینی افسر را «مردی با فضل و کتاب دوست و مشوق اهل ادب» خوانده است. پارسا می‌نویسد: «استاد افسر یکی از مردان نیکخواه و برجسته عصر به شمار می‌رود و گذشته از خدمات‌های علمی و ادبی و اجتماعی که بدین کشور نموده است، خود طبعی توانا و ذوقی سرشار داشت ... ملک الشعراى بهار در پاسخ به قطعه‌ای از افسر، تعریضی گزنده به تسلیم وی در برابر رضاشاه و هم‌رأیی و یاری با وی. اما در مستزادی شعر او را «محکم و یک‌نواخت» می‌خواند و می‌افزاید که او غیر از قطعه کمتر شعر می‌ساخت. بهار در وصف قطعه‌های افسر می‌سراید: «قطعه‌های افسر از روی یقین — هست طرز قطعۀ ابن‌یمین — لیک محدود است این» همو در جایی دیگر افسر را «مردی ظریف و بذله‌گو» معرفی می‌کند. دهخدا در امثال و حکم بیتها و قطعه‌هایی حکمی و پندآمیز از افسر آورده است. مهدی بامداد افسر را مردی زرنگ، باهوش، زیرک و شاعری می‌خواند که معلومات ادبی فارسیش نسبتاً خوب بود و از قول محمد قزوینی می‌نویسد: افسر قدی کوتاه، ریشی سفید و لهجۀ سبزواری غریبی داشت و بسیار تند حرف می‌زد به گونه‌ای که مخاطبانش سخن او را راحت نمی‌فهمیدند قاسم غنی، همشهری افسر در خاطراتش به بدی از او یاد می‌کند. وی گرچه به مراتب هوش، ذوق شعری و مخصوصاً بذله‌گویی و ظرافت طبع افسر تصریح دارد، اما در خاطراتش درباره‌ او آنچه‌ان می‌نویسد که خواننده تصویر مردی فرصت‌طلب، پشت هم‌انداز، اهل تظاهر، سخت محتاط و عافیت‌طلب، همدم و دمخور هر فرقه — از روحانی و حکیم گرفته تا صوفی و رند خراباتی، از دیندار گرفته تا مرتد، از مستبد گرفته تا مشروطه‌خواه — سیاست باز و نخود هر آش را پیش روی خود می‌بیند. غنی نیز به لهجۀ سبزواری نامعمول و «فُح» افسر اشاره دارد و می‌گوید: دریافت سخن او به دشواری ممکن است. ظاهراً به همین سبب بوده است که به افسر لقب «چلچله الوکلا» داده بودند. (دائرة المعارف بزرگ اسلامی، مدخل افسر: مجدالدین کیوانی) به نظر می‌رسد سند مورد واکاوی در این مقاله تشریح دکتر قاسم غنی از شخصیت افسر را تأیید می‌کند. این فتح بابی است تا پژوهشگران بیشتر از دریچه اسناد به تبیین شخصیت‌های تاریخی بپردازند و اسنادی که بدون حب و بغض و برای تظلم‌خواهی مردمانی در تاریخ نگاشته شده که هیچ‌گاه گمان نمی‌کردند نوشته‌شان قرن‌ها بعد توسط پژوهشگران مورد نقد و بررسی قرار گیرد.

اسناد فوق برای پژوهشگران علاقه‌مند به تاریخ نیشابور، تاریخچه تولیت در آستان متبرکه امامزاده محمد محروق ﷺ و تاریخ‌نگار محلی و اجتماعی بسیار ارزشمند و حائز اهمیت است و شایسته است پژوهشگران علاقه‌مند توسعه این‌گونه پژوهش‌ها را در دستور کار خود قرار دهند.

نتیجه‌گیری

این پژوهش با بررسی عریضه‌ای نویافته از اهالی نیشابور به وزارت اوقاف و معارف در دوره قاجار، به تحلیل تعدیات شاهزاده محمد هاشم میرزا بر موقوفات امامزاده محمد محروق علیه السلام پرداخته است. این سند تاریخی که در مرکز اسناد و کتابخانه ملی ایران نگهداری می‌شود، اطلاعات ارزشمندی درباره وضعیت مدیریت موقوفات و تعاملات اجتماعی، مذهبی و سیاسی در دوران احمد شاه قاجار ارائه می‌دهد. عریضه مورد بررسی نه تنها نشان‌دهنده سوءاستفاده‌های سیاسی و اقتصادی شاهزاده محمد هاشم میرزا از موقوفات است، بلکه بازتابی از نگرانی‌های عمیق جامعه مذهبی نیشابور در حفظ اماکن مقدس و اموال وقفی را به تصویر می‌کشد. این سند به وضوح نشان می‌دهد که در دوره قاجار، به‌ویژه در دوران احمد شاه، ضعف حکومت مرکزی و نفوذ افراد صاحب قدرت در امور مذهبی و اقتصادی، منجر به فساد اداری و تعدی به موقوفات شده است. اهالی نیشابور با ارسال این عریضه، نه تنها به سوءاستفاده‌های شاهزاده محمد هاشم میرزا اعتراض کرده‌اند، بلکه تلاش کرده‌اند تا از طریق نهادهای حکومتی، حقوق مذهبی و اجتماعی خود را احقاق کنند. این اقدامات نشان‌دهنده روحیه مسئولیت‌پذیری و تعهد مذهبی جامعه آن دوران در حفظ میراث دینی و فرهنگی است. از منظر تاریخی، این عریضه به‌عنوان یک سند دست‌اول، اطلاعات منحصر به فردی را در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهد که در منابع دیگر یافت نمی‌شود. این سند نه تنها به روشنی تعارضات و چالش‌های مدیریت موقوفات در دوره قاجار را نشان می‌دهد، بلکه بخشی از تعاملات پیچیده میان نهادهای مذهبی، سیاسی و اجتماعی آن دوران را نیز روشن می‌کند. از این رو، این پژوهش می‌تواند به عنوان منبعی معتبر برای مطالعات تاریخ اجتماعی، مذهبی و اقتصادی دوره قاجار مورد استفاده قرار گیرد. در نهایت، این پژوهش بر اهمیت اسناد تاریخی مانند عریضه‌ها در بازسازی تاریخ معاصر ایران تأکید می‌کند. این اسناد که توسط مردم عادی و بدون حب و بغض نگاشته شده‌اند، تصویری واقع‌گرایانه از شرایط اجتماعی، اقتصادی و مذهبی آن دوران ارائه می‌دهند و می‌توانند به عنوان ابزاری قدرتمند برای درک بهتر تحولات تاریخی و نقش مردم در شکل‌گیری این تحولات مورد استفاده قرار گیرند.

کتاب‌نامه

اسناد

سند شماره: ۲۵۰/۳۷۳۴ (محل نگهداری: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران).

کتاب‌ها/مقالات

تابکی، تورج (۱۳۹۰). «صدای خاموشان»، *ماه نامه مهرنامه*، سال دوم، شماره ۱۷ آذر ماه، صص: ۳۵-۴۱.

افشارآرا، محمدرضا (۱۳۸۰). *خراسان و حکمرانان یا تاریخ استانداری خراسان از آغاز تا پایان عصر قاجاریه*، مشهد: انتشارات محقق.

انوری، حسن (۱۳۸۱). *فرهنگ بزرگ سخن*، ج ۵، تهران: نشر سخن.
جمعی از نویسندگان (۱۳۱۸). *مجموعه مصوبات ادوار اول و دوم قانون‌گذاری مجلس شورای ملی*. تهران: مجلس شورای ملی، اداره قوانین و مذاکرات.

حاجی‌آبادی، فاطمه (۱۴۰۱). «متولیان موقوفه عتیقی، از دوره صفویه تا پایان دوره پهلوی دوم»، *پژوهش‌نامه مطالعات اسنادی و آرشیوی*، سال اول، شماره یک، دوره جدید، بهار و تابستان، صص: ۱۳۴ - ۱۵۰.

دالمانی، هانری رنه (۱۳۷۸). *از خراسان تا بختیاری*، جلد دوم، ترجمه غلامرضا سمیعی، تهران: نشر طاوس.

دامغانی، محمدتقی (۱۳۵۷). *صد سال پیش‌ازین*، تهران: انتشارات شبگیر.
کیوان، مجدالدین (۱۳۹۸). «افسر»، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، تهران: انتشارات دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.

دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۴۱). *لغت نامه دهخدا*، زیر نظر محمد معین، ج ۳۴، تهران: دانشگاه تهران.
سانسون (۱۳۴۶) *سفرنامه سانسون*، وضع کشور شاهنشاهی ایران در زمان شاه سلیمان صفوی، تحقیق و مطالعه دقیق درباره آداب و اخلاق و حکومت ایران، ترجمه تقی تفضلی، تهران: ابن سینا.

شوهانی، سیاوش (۱۳۸۹). «عرایض، رهیافتی به تاریخ فرودستان (بررسی اسناد عرایض مجلس شورای ملی)»، *گنجینه اسناد*، سال ۲۰، شماره ۷۹، صص: ۴۲ - ۷۹.

شیرین بخش، زهره (۱۳۹۸). *تاملی بر ساختار و محتوای اسناد عرایض*، بررسی موردی: عرایض اصناف در دوره ششم تا هشتم مجلس شورای ملی، سال پنجم، شماره پانزدهم، صص: ۶۱ - ۷۵.

طبری، علی (۱۳۸۸). «بررسی جایگاه عریضه در پژوهش‌های اسنادی»، *پیام بهارستان*، دوره دوم، ش ۴، تابستان، صص: ۴۶۵ - ۴۷۶.

علیزاده بیرجندی، زهرا و ناصری، اکرم (۱۳۹۲). «منصب تولیت و عوامل موثر بر عملکرد متولیان آستان قدس رضوی در عصر قاجار»، *دو فصل‌نامه علمی و پژوهشی تاریخ‌نامه‌ایران بعد از اسلام*، سال سوم، شماره ششم، بهار و تابستان ۹۲، صص: ۱۳۹ - ۱۶۵.



عین‌السلطنه (۱۳۷۶). **روزنامه خاطرات عین السلطنه (قهرمان میرزا سالور)**، به کوشش مسعود سالور و ایرج افشار، تهران: انتشارات اساطیر.

گرایلی، فریدون (۱۳۷۵). **نیشابور شهر فیروزه**، مشهد: انتشارات دامینه.

میرنیا، علی (۱۳۶۷). **وقایع خاور ایران در دوره قاجار مشتمل بر زندگی‌نامه استانداران، وقایع طغیان‌ها، قیام‌ها، حوادث تاریخی خراسان**، تهران: انتشارات پارسا



فصلنا وعلی بنط العتبات انما کن بیک